

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۰۸

آیه ۶۹-۷۰

آیه و ترجمه

۶۹ و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً  
۷۰ ذلک الفضل من الله و کفی بالله علیماً

ترجمه :

۶۹ - و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز)، همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان، و آنها رفیقهای خوبی هستند!  
۷۰ - این موهبتی از ناحیه خداست. و کافی است که او، (از حال بندگان و نیات و اعمال آنها) آگاه است.

شان نزول :

یکی از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نام «ثوبان» که نسبت به حضرت محبت و علاقه شدیدی داشت، روزی با حال پریشان خدمتش رسید، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از سبب ناراحتی او سؤال نمود، در جواب عرض کرد: زمانی که از شما دور می شوم و شما رانمی بینم ناراحت می شوم، امروز در این فکر فرو رفته بودم که فردای قیامت اگر من اهل بهشت باشم، مسلماً در مقام و جایگاه شما نخواهم بود، و بنابراین شما را هرگز نخواهم دید، و اگر اهل بهشت نباشم که تکلیفم روشن است، و بنابر این در هر حال از درک حضور شما محروم خواهم شد، با این حال چرا افسرده نباشم؟!  
دو آیه فوق نازل شد و به اینگونه اشخاص بشارت داد که افراد مطیع پروردگار در بهشت نیز همنشین پیامبران و برگزیدگان خدا خواهند بود، سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به خدا سوگند، ایمان مسلمانی کامل نمی شود مگر اینکه مرا از

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۰۹

خود و پدر و مادر و همه بستگان بیشتر دوست دارد، و در برابر گفتار

من تسلیم باشد.

**تفسیر :**

### دوستان بهشتی

در این آیه یکی دیگر از افتخارات کسانی که مطیع فرمان خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشند بیان شده، و در حقیقت، امتیازاتی را که در آیات قبل گذشت، تکمیل می کند، و آن همنشینی با کسانی است که خداوند، نعمت خود را بر آنها تمام کرده است (و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم).

و همانطور که در سوره حمد، بیان شده است کسانی که مشمول این نعمتند، همواره در جاده مستقیم گام برمی دارند و کوچکترین انحراف و گمراهی ندارند.

سپس در توضیح این جمله و بیان کسانی که خداوند نعمت خویش را بر آنها تمام کرده است اشاره به چهار طایفه می کند که در واقع ارکان چهارگانه این موضوع هستند:

۱ - «انبیاء» و فرستادگان مخصوص پروردگار که نخستین گام را برای هدایت و رهبری مردم و دعوت به صراط مستقیم برمی دارند (من النبیین).

۲ - «راستگویان»، کسانی که هم در سخن راست می گویند و هم با عمل و کردار صدق گفتار خود را اثبات می کنند و نشان می دهند که مدعی ایمان نیستند بلکه به راستی به فرمانهای الهی ایمان دارند (و الصدیقین). از این تعبیر روشن می شود که بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از مقام صدق و راستی نیست، نه تنها راستی در گفتار بلکه راستی در عمل و کردار که شامل امانت و اخلاص نیز می گردد، زیرا امانت همان صداقت در عمل است همانطور که «راستگویی» امانت در گفتار است، و در مقابل آن، هیچ صفت زشتی بعد از کفر بدتر از دروغ و نفاق و خیانت در سخن و عمل نیست (باید توجه داشت که صدیق صیغه

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۱۰

مبالغه است و به معنی کسی است که سر تا پا راستی و درستی است). در بعضی از روایات «صدیق» به علی (علیه السلام) و امامان اهل البیت (علیهم السلام) تفسیر شده است و همان طور که بارها گفته ایم این

گونه تفسیرها بیان مصداق روشن و عالی آیات است و معنی انحصار رانمی‌رساند.

۳ - «شهدا» و کشته شدگان در راه هدف و عقیده پاک الهی، و یا افراد برجسته‌ای که روز قیامت شاهد و گواه اعمال انسانها هستند (والشهداء).  
۴ - «صالحان» و افراد شایسته و برجسته‌ای که با انجام کارهای مثبت و سازنده و مفید و پیروی از اوامر انبیاء به مقامات برجسته‌ای نایل شده‌اند (والصالحین).

و به همین جهت در روایات ما «صالحین» تفسیر به یاران برگزیده ائمه شده است، و این نیز همانند آنچه در باره «صدیقین» گذشت از قبیل بیان فرد شاخص است.

نکته‌ای که در اینجا یادآوری آن لازم است این است که ذکر این مراحل چهارگانه ممکن است اشاره به این معنی باشد که برای ساختن یک جامعه انسانی سالم و شایسته نخست باید رهبران به حق و انبیاء وارد میدان شوند، و به دنبال آنها مبلغان صدیق که قول و عمل آنها با یکدیگر هماهنگ است و اهداف آنها را در همه جا پخش کنند، و به دنبال این دوران سازندگی فکری، جمعی در برابر عناصر آلوده و آنهایی که موانع راه حقند وارد شوند و قربانی دهند و شهید گردند و محصول این کوششها و تلاشها به وجود آمدن «صالحان» و «اجتماعی پاک و شایسته» است، و روشن است که صالحان نیز برای روشن نگاه داشتن مشعل حق نسبت به نسلهای آینده همین وظایف سه گانه را انجام خواهند داد، رهبری می‌کنند، تبلیغ می‌نمایند،

---

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۵۱۱

و قربانی می‌دهند.

ضمناً از آیات فوق این حقیقت به روشنی استفاده می‌شود که موضوع معاشران خوب، و همنشینهای با ارزش به قدری اهمیت دارد که حتی در عالم آخرت برای تکمیل نعمتهای بهشتی این نعمت بزرگ به مطیعان ارزانی می‌گردد، و آنها علاوه بر همه افتخارات، همنشینانی همچون پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان خواهند داشت.

شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که معاشرت مطیعان با این طوایف چهارگانه مفهومی نیست که آنها در مقام و مرتبه از هر جهت برابر و

مساویند بلکه در عین معاشرت با یکدیگر هر کدام سهم خاصی (طبق مقام خود) از مواهب و الطاف خداوند دارند، همانطور که فی المثل درختان و گلها و گیاهان یک باغ در عین اینکه گرد هم هستند و از نور آفتاب و باران بهره‌می‌برند، بهره‌های آنها همانند ارزش‌های آنها یکسان نیست. سپس در آیه بعد برای بیان اهمیت این امتیاز بزرگ (همنشینی با برگزیدگان) می‌فرماید: «این موهبتی است از ناحیه خدا، و او از حال بندگان و نیات و شایستگیهای آنها آگاه است» (ذلک الفضل من الله و کفی بالله علیما).

البته «ذلک» که اسم اشاره بعید است در این گونه موارد برای اهمیت و علو مقام به کار می‌رود.

و ما هم از آیه فوق الهام گرفته و می‌گوییم سپاس پروردگار را که با آن همه عوائقی که در راه انجام کارهای مثبت وجود دارد، به فضل الهی جلد سوم تفسیر نمونه در اینجا به طرز شایسته‌ای پایان یافت ذلک الفضل من الله و کفی بالله علیما!

بارالها! نیات ما را پاک و اعمال ما را پُرثمر و خالص برای ذات پاکت گردان. «پایان جلد سوم تفسیر نمونه»

↑ فرست

→ قبل